

# تفسیری بر تراز منفی در حساب جاری

نوشته مرثی عمادزاده<sup>۱</sup>

چکیده: تراز منفی تجاری در حساب جاری تراز پرداختها از نکات حساس و قابل توجه سیاستگذاران اقتصادی است. استمرار منفی بودن این تراز می‌تواند نگرانی‌آفرین باشد و سیاست‌گذاریهای تعدیلی را ضروری سازد. اما هنگامی که تراز منفی حاصل واردات کالاهای سرمایه‌ای و بادوام به میزانی بیش از صادرات باشد، ابعاد نگرانی مسئولان اقتصادی محدودتر و کوچکتر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: ۱. تراز تجاری ۲. تراز حساب جاری ۳. کالای سرمایه‌ای ۴. تولید ناخالص داخلی

اقتصادی را از دیدگاه متفاوتی ارزیابی کرد. در کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت که وجه غالب اثرگذار در تراز تجاری، حاصل صادرات این ماده خام اولیه است و مقدار صادرات

۱. عضو هیئت علمی کارشناسی ارشد
۲. حساب جاری یکی از دو حساب عمده (Major Account) در تراز پرداختهای خارجی هر کشور است. اجزای این حساب عبارت‌اند از صادرات کالا (بستانکار) و واردات کالا (بدهکار). حاصل این دو سرفصل را حساب تجاری یا حساب مرئی و حاصل دو سرفصل صادرات خدمات (بستانکار) و واردات خدمات (بدهکار) را حساب نامرئی می‌گویند. حاصل کل صادرات و واردات کالا و خدمات که از نتیجه حساب مرئی و حساب نامرئی به دست می‌آید حساب جاری در تراز پرداختها نامیده می‌شود و پیگیری تغییرات و علل نوسانات آن در اداره امور بازرگانی خارجی کشور از اهمیت بسیاری برخوردار است.

تراز منفی یا پرنوسان حساب جاری<sup>۲</sup> یکی از موضوعات نگران‌کننده بخش خارجی اقتصاد، بخصوص در سالهای توسعه است. این حساب فراگیرترین شاخص برای ارزیابی وضعیت بین‌المللی اقتصاد در هر کشور است. (آمار حساب جاری سالهای ۱۳۷۵-۱۳۷۱ کشور را در جدول شماره ۱ ببینید). در حالی که رقم بالای تراز منفی تجاری در سالهای ۱۳۷۱-۱۳۷۲ عمده‌تاً معلول ضعف قدرت رقابت، کیفیت بد کالا و شیوه‌های نامناسب قیمت‌گذاری در اقتصاد ملی است که نهایتاً به کاهش اشتغال و از دست دادن ثروت‌های ملی به نفع سایر کشورها منجر می‌شود، اما در بررسی‌های بیشتر دلایل و نکات دیگری هم یافت می‌شود که با استفاده از آنها می‌توان، وضعیت

می‌شود نیز تفسیری است از این واقعیت که جامعه برای تأمین نیازهای خود از بازار بین‌المللی به نوعی استقراض روی آورده است. در ادبیات اقتصادی، کشوری که دارای تراز منفی و مستمر تجاری است در واقع برای تأمین مالی کالاهای مورد نیاز خود از کشورهای خارجی قرض می‌گیرد. حال مسئله اساسی که بایستی به آن پرداخته شود و توجه به آن می‌تواند تعبیری آرام‌بخش یا نگران‌کننده به دست دهد آن است که این استقراض در عمل به چه مصرفی رسیده است. خانوارهایی که مصرف جاری را از محل استقراض تأمین مالی می‌کنند و یا بنگاههایی که زیانهای عملیاتی مستمر خود را از طریق وام‌گیری جبران می‌کنند مطمئناً گام در راهی می‌نهند که ادامه آن برای مدتی طولانی قابل دوام نیست. اما اگر استقراض برای خرید اقلام مصرفی بادوام و یا ماشین‌آلات تولیدی باشد که در بلندمدت از طریق افزایش تولید و یا ارائه خدمات، مقدار استقراض و سود مربوط را به‌خوبی جبران می‌کند، آن‌گاه می‌توان به عقلانیت تصمیم رأی داد. مسئله تراز منفی تجاری برای یک کشور نیز همانند موقعیت خانوارها یا بنگاههای پیش‌گفته است و این سؤال در مورد آنها مطرح است که آیا تراز منفی تجاری برای تأمین مصرف جاری است و یا به یک فعالیت سرمایه‌ای و تولیدی سودآورد اختصاص یافته است.

در حالی که پاسخ صریح و بدون ابهام به این سؤال مشکل می‌نماید، ولی شواهد امر حاکی از آن است که معمولاً تقاضای زیاد برای اقلام سرمایه‌ای گویای سیاست توسعه اقتصادی است که می‌تواند با کسری تراز حساب جاری نیز همراه باشد، بدون

و قیمت آن هر دو خارج از سیستم اقتصادی تعیین می‌شود، تفاوت روش در شیوه ارزیابی حساسیت ویژه‌ای می‌یابد و ارزیابی نتیجه تراز تجاری صرفاً براساس نظریه‌های استاندارد و رایج در متون نظری اقتصاد بین‌الملل لزوماً قرین به دقت نخواهد بود. به همین دلیل همواره دلایل کافی وجود دارند که نشان می‌دهند تحلیل ترازپرداختها به‌طور عام و بخش حساب جاری و حساب تجاری آن به‌طور خاص بایستی با توجه به ویژگیهای اقتصادی کشور، شرایط زمانی و ترکیب و نوع اقلام وارداتی چندگام فراتر از ظواهر ارقام، مورد ریزینی و دقت نظر قرار گیرند.

اولین نکته مهم در این مورد این است که اگرچه تراز منفی و یا حتی پرنوسان تجاری می‌تواند محل تأمل و نگرانیهای خاص باشد ولی کمیتهای مطلق در ارقام نبایستی ملاک بررسی و تحلیل باشند، بلکه بایستی این ارقام همواره براساس نسبتی مقایسه‌ای مثلاً درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP<sup>۱</sup>) مطالعه شوند زیرا این شاخص، معیار بسیار صریحتر و گویاتری از سهم اقتصاد خارجی را در اقتصاد ملی بیان خواهد کرد (جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۱).

نکته دیگر آنکه بنا بر اصول اولیه حسابداری اقتصاد بین‌الملل، تراز منفی تجاری بازتاب حالتی از فزونی واردات کالا بر صادرات است و از این لحاظ بیان‌کننده نیاز به واردات بیشتر و معلول ضعف مبانی تولید و سمت عرضه اقتصاد و ضعف قدرت رقابت در تجارت بین‌المللی یا نابرابر بودن شرایط تجاری و یا عدم کنترل مصرف و انحراف از الگوی مطلوب و متناسب است. آنچه که موجب فزونی واردات بر صادرات و تراز منفی تجاری

جدول ۱. موازنه پرداختها (میلیون دلار)

۱۳۷۵	۱۳۷۴	۱۳۷۳	۱۳۷۲	۱۳۷۱	
۳۲۲۵	۳۲۵۷	۴۸۳۱	۳۷۴۷	۲۹۸۸	صادرات کالای غیرنفتی
۱۹۲۷۱	۱۵۱۰۳	۱۴۶۰۳	۱۴۳۳۳	۲۳۷۶	صادرات نفت و گاز
—	—	—	—	—	—
۲۲۴۹۶	۱۸۳۶۰	۱۹۳۳۳	۱۸۰۸۰	۲۶۴۶۴	جمع صادرات کالا
۱۴۹۷۳	۱۲۷۷۲	۱۲۶۱۷	۱۹۲۸۷	۲۹۸۷۰	واردات کالا (فوب)
—	—	—	—	—	—
+۷۵۲۳	+۵۵۸۶	+۶۸۱۷	-۱۲۰۷	-۳۴۰۶	تراز تجاری = تراز مرئی
—	—	—	—	—	—
۹۸۰	۹۰۹	۵۸۰	۱۲۳۵	۸۴۶	صادرات خدمات
۳۶۰۵	۳۱۳۳	۳۶۳۹	۵۷۴۳	۵۹۴۰	واردات خدمات
—	—	—	—	—	—
-۲۶۲۵	-۲۲۲۴	-۳۰۵۹	-۴۵۰۸	-۵۰۹۴	تراز غیر مرئی
+۴۶۳	-۴	+۱۱۹۸	+۱۵۰۰	+۱۹۹۶	خالص انتقالات
—	—	—	—	—	—
+۵۳۶۱	+۳۳۵۸	+۴۹۵۶	-۴۲۱۵	-۶۵۰۴	تراز حساب جاری
—	—	—	—	—	—
-۵۶۷۹	-۷۷۲	-۳۴۷	+۵۵۶۳	+۴۶۹۹	حساب سرمایه
-۳۱۸	۲۵۸۴	۴۶۰۹	۱۳۴۸	-۱۸۰۵	موازنه
+۲۳۴۶	۲۸۶۸	+۹۲۱	+۲۳۲	-۱۶۶	تغییر در ذخایر
-۱۲۶۱	+۲۳۴	+۱۸۸۲	+۱۱۱۶	-۱۶۳۹	اشتباهات آماری
-۱۴۰۳	-۵۱۸	+۱۸۰۶	—	—	تغییرات نرخ ارز
-۳۱۸	۲۵۸۶	۴۶۰۹	۱۳۴۸	-۱۸۰۵	موازنه

ساخته: گزارشات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

جدول ۲

سال	تولید ناخالص داخلی (جاری) (میلیارد ریال)	تراز حساب جاری (میلیارد ریال)	درصد تراز حساب جاری به GDP
۱۳۷۱	۶۴۴۰۰	۶۵۰	۰٫۱۴۶
۱۳۷۲	۹۳۵۱۸ (۴۵٫۲)	-۴۲۱	-۰٫۰۷۲
۱۳۷۳	۱۲۹۳۵۰ (۲۸٫۳)	۴۹۵	۰٫۰۸۹
۱۳۷۴	۱۸۰۸۰۰ (۳۹٫۸)	۳۳۶	۰٫۰۴۳
۱۳۷۵	۲۳۳۶۵۱ (۲۹٫۲)	۵۲۳	۰٫۰۵۲

توضیح:

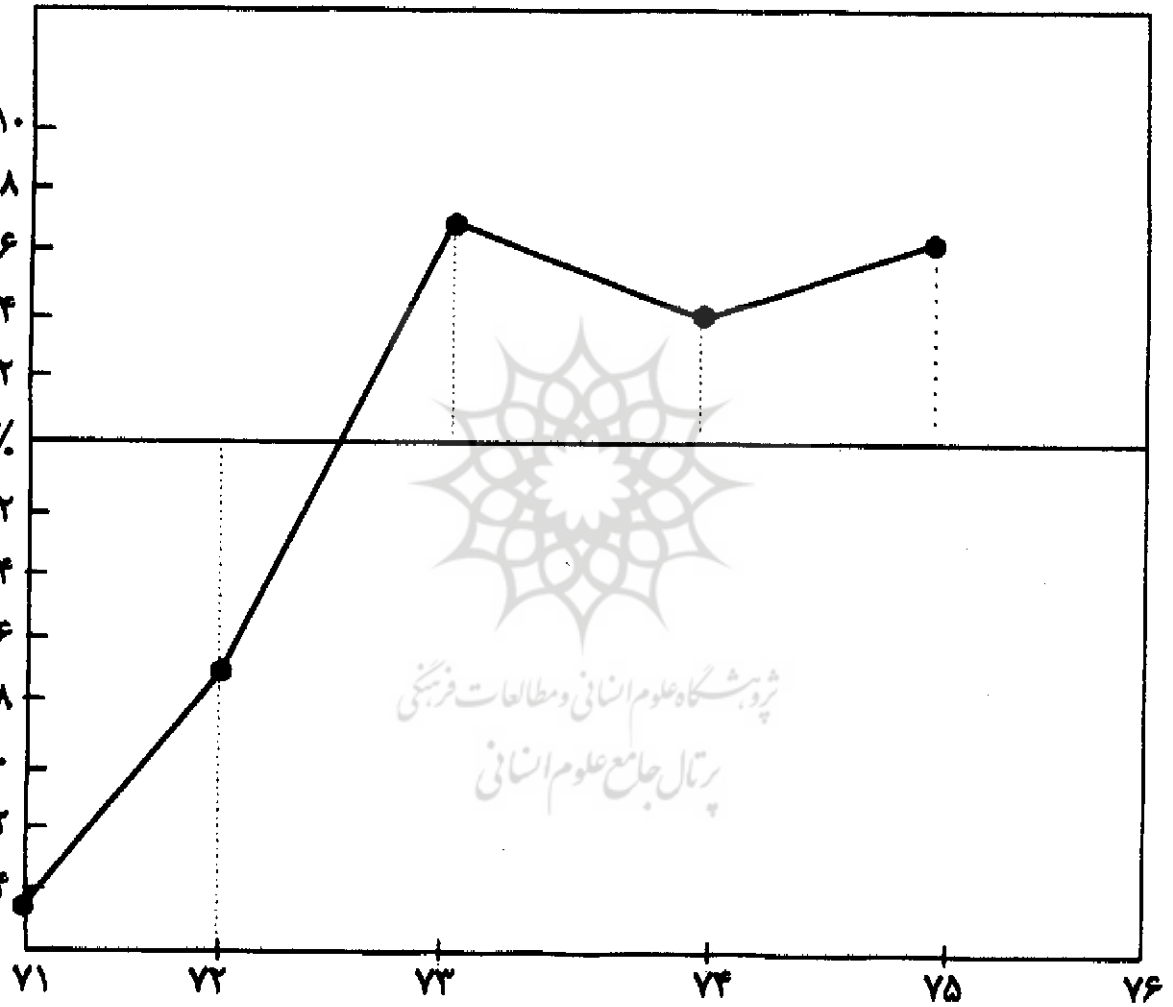
- ارقام داخل پرانتز نشان دهنده رشد GDP نسبت به سال قبل است.
- در سال ۱۳۷۵ برای احتساب تولید ناخالص داخلی (جاری) به دلار با توجه به حجم ارزشهای یارانه‌ای بسرای کسالا‌های اساسی و ارزشهای صادراتی و ارزش دولتی از فرض میانگین رقم  $\frac{۱۷۵۰+۳۰۰۰}{۲}$  ریال استفاده شد و برای سالهای ۷۴ و ۷۳ با توجه به درصد رشد GDP محاسبه شده است. برای سال ۱۳۷۲ هر دلار ۱۶۰۰ ریال و برای سال ۱۳۷۱ هر دلار ۱۴۵۰ ریال محاسبه شده است.

(مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - شاگرهای اقتصادی - شماره ۹)

جدول ۳

سال	نرخ رشد GDP	نرخ رشد سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات صنعتی
۱۳۷۱	۵۰٫۷٪	۹٪
۱۳۷۲	۴٫۸٪	۱٫۵٪
۱۳۷۳	۱۰٫۶٪	-
۱۳۷۴	۴٫۵٪	۲٪
۱۳۷۵	۵٫۲٪	۳٪

نمودار ۱. حساب جاری به عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

در ماشین‌آلات صنعتی مرتبط دانست آنگاه می‌توان از نتیجه منفی موقت تراز حساب جاری تعبیری مطلوب به دست داد و زیاد نگران نبود. سؤالی که البته پانسخ داده نشده باقی می‌ماند آن است که بازدهی این سرمایه‌گذاریهای سنگین در دنیای کمیابی منابع و رقابتهای تجاری تا چه حد مطلوب و مورد قبول خواهد بود.

#### مراجعها

*International Economic Trends the Fed. Res.*

Band of St. Louis, March 1998.

۲. برانسون، ویلیام. *اچ. اقتصاد کلان*، نظریه‌ها و سیاست‌گذاری، ترجمه مرتضی عمادزاده، جلد دوم، سال ۱۳۷۱. مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.

آنکه نگرانی عمده‌ای را باعث شود. تولید ناخالص داخلی به قیمت‌های ثابت طی سالهای ۱۳۷۱ الی ۱۳۷۵ (جدول شماره ۳) به‌طور متوسط سالانه حدود ۴٫۳ درصد رشد داشته است. نرخ رشد سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات صنعتی به‌عنوان شاخص نماینده برای نمایش گرایش سرمایه‌گذاری طی همین مدت ۳٫۱ درصد بوده است. دقت در ارقام رشد سالانه نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۱ که بیشترین رقم تراز منفی حساب جاری را به خود اختصاص داده است رشد سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات صنعتی رقم قابل توجه ۹ درصد بوده است و در سالهای بعد رشد این سرفصل از سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد و تراز حساب جاری نیز مثبت می‌شود. اگر بتوان تراز منفی حساب جاری در سالهای ۷۱ و ۷۲ را با رشد سرمایه‌گذاری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی